بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطلب:

[خطبه اول 1](#_Toc425864278)

[سیره‌ی پیامبر گرامی اسلام (ص) 2](#_Toc425864279)

[دسته‌های مردم بعد از رسالت علنی پیامبر (ص) 2](#_Toc425864280)

[1.گروه ثروتمند 2](#_Toc425864281)

[2.همراهان اندک حضرت رسول (ص) 2](#_Toc425864282)

[نقش حضرت ابوطالب در آن شرایط 3](#_Toc425864283)

[شخصیت و موقعیت رسول گرامی اسلام (ص) 3](#_Toc425864284)

[مسائل اختلاف بین شیعه و سنی 4](#_Toc425864285)

[شیعه و تقیه 4](#_Toc425864286)

[دلایل شکنجه نکردن پیامبر (ص) 4](#_Toc425864287)

[رشد اسلام 5](#_Toc425864288)

[خطبه دوم 5](#_Toc425864289)

# خطبه اول

**نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابی لقاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین الاطهرین لا سیما بقیة الله فی الارضین. اعوذ بالله سمیع العلیم من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ[[1]](#footnote-1) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوا الله و ملازمة امره و مجانبة نهیه تجهزوا عبادالله و قد نودی فیکم بالرحیل و تزودوا فان خیر زاد التقوا**

همه شما برادران و خواهران گرامی، به تقوا، پارسایی، پرهیز از آلودگی‌های روحی، اخلاقی، پیروی از اوامر خداوند و ذکر و شکر خداوند در همه‌ی احوال سفارش و دعوت می‌کنم. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را بر انجام وظایف الهی، عمل به دستوراتش موفق و مؤید بدارد.

# سیره‌ی پیامبر گرامی اسلام (ص)

در خطبه‌های قبل به‌صورت مختصر، نگاهی به زندگی و شخصیت رسول گرامی اسلام (ص) قبل از بعثت داشتیم. ویژگی‌های روحی، اخلاقی و شرایط بعثت رسول خدا (ص) را بررسی کردیم و سه سال ابتدایی که دعوت سری بود و بعدازآن که پیامبر (ص) دعوتشان را بین خویشان علنی کردند، عرض کردیم.

بعدازاین دعوت، فشارها بر پیامبر (ص) شروع شد. این مرحله‌ی جدیدی از رسالت پیامبر (ص) بود. این رسالت، دعوت عمومی مردم به سمت توحید بود. در این شرایط آیه‌ی شریفه: «**فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِکینَ**»[[2]](#footnote-2) آنچه را مأموریت داری، آشکارا بیان کن! و از مشرکان روی‌گردان (و به آن‌ها اعتنا نکن)! نازل شد. با نزول این آیه، مسیر جدیدی در رسالت پیامبر (ص) شروع شد.

حضرت (ص) بلافاصله در صفا و خانه‌ی خدا، دو خطبه بسیار تکان‌دهنده خواندند و علناً در محیط آلوده به شرک و کفر آنجا، دعوت به توحید و رسالت خدا کردند.

بعدازاین مرحله، دعوت عمومی شده بود. تمام مردم در مکه متوجه جریان الهی و رسالت رسول خدا (ص) شده بودند. همه‌ی چشم‌ها متوجه شخصیت بزرگ رسول گرامی اسلام (ص) بود. با این دعوت علنی جامعه به چند دسته تقسیم شدند.

# دسته‌های مردم بعد از رسالت علنی پیامبر (ص)

# 1. گروه ثروتمند

کسانی مثل ابوجهل، ابولهب (عموی پیامبر) و ... که ازنظر کمیت کم بودند ولی ازنظر قدرت سیاسی،اجتماعی، اقتصادی در سطح بالایی بودند. این افراد، از رسالت پیامبر (ص) احساس خطر کردند، در مقابل ایشان صف کشیدند. از هیچ کوشش و تلاشی برای جلوگیری از پیامبر (ص) دریغ نکردند. از تمام اهرم‌های موجود استفاده کردند تا مانع گسترش پیام رسول خدا (ص) بشوند.

# 2. همراهان اندک حضرت رسول (ص)

گروه اندکی همراه ایشان بودند، فداکاری،ایثار، ازخودگذشتگی کردند و از رسالت پیامبر (ص) دفاع کردند.

این دودسته، دسته‌ی اندکی بودند. گروه مؤمنان و پذیرندگان اسلام اندک بودند، همچنین مخالفان بسیار کم بودند.

اگر معاندان اجازه می‌دادند، حرف‌های پیامبر (ص) بر روی آنان اثر می‌کرد زیرا حرف‌های دل‌نشین و منطقی بود. اما همین عده‌ی اندک معاندان، مانع رسیدن پیام حضرت (ص) به مردم شدند.

درزمانی که در مکه بودند، جنگی برپا نشد، عمدتاً مباحث فکری در جامعه مطرح بود.

# نقش حضرت ابوطالب در آن شرایط

حضرت ابوطالب (ع) به‌ظاهر اسلام نیاورد. اما درواقع، و از دیدگاه شیعه، ایشان مؤمن بودند. اهل تسنن اعتقاددارند که ابوطالب (ع) اسلام نیاورد. جان‌فشانی‌ها، فداکاری‌های ابوطالب (ع) بر اساس انگیزه‌های ایمانی وی بود. یکی از اختلافات بسیار مهم شیعه و سنّی در مورد شخصیت ابوطالب است. اکثر اهل تسنن معتقدند ایشان کافر بوده است. و حمایتی که از رسول خدا (ص) به عمل می‌آورد، به خاطر تعصبات قبیله‌ای بوده است.

تا زمانی که حضرت ابوطالب زنده باشند، هیچ‌کس جرأت نداشت که پیامبر (ص) را تهدید کند. وی یک‌تنه، باکمال رشادت در برابر سران کفر و الحاد، مقاومت می‌کرد. در برابر هرگونه تعرض به رسول خدا (ص) ایستادگی می‌کرد.

برای اسلام ابوطالب، ادله‌ی محکمی برای شیعه وجود دارد. بعضی از اهل تسنن معتقدند که ابوطالب اهل جهنم است ولی ما شیعیان معتقدیم که ایشان از یاران نزدیک حضرت (ص) بودند. ما معتقدیم که آیات بسیاری در مورد ابوطالب (ع) آمده است. ایشان تقیه را پیش‌گرفته بودند. ایشان افرادی که ایمان می‌آوردند را تشویق می‌کردند. برای حمایت از رسول خدا (ص)و رسالتش اما به‌ظاهر تقیه می‌کردند.

شخصیت ابوطالب یک شخصیت ممتاز بود، خاندان بنی‌هاشم به‌طورکلی موردتوجه در مکه بودند. هیچ‌کس به‌سادگی نمی‌توانست به ایشان معترض شود. بعد از عبدالمطلب، ابوطالب از شخصیت‌های اول قوم قریش بود. ایشان چون به‌ظاهر ایمان نیاورده بودند، کسی نمی‌توانست به او عیب و ایرادی به خاطر حمایت‌هایشان از رسول گرامی اسلام (ص) بگیرد.

رسول گرامی اسلام (ص) نیز در بسیاری از روایات از ایشان تمجید و تعریف کرده‌اند.

# شخصیت و موقعیت رسول گرامی اسلام (ص)

رسول خدا (ص) نیز خودشان شخصیتی بودند که کسی به‌سادگی نمی‌توانست به او متعرض بشود. از سویی به خاطر بنی‌هاشم، بنی عبدالمطلب با قبایل دیگر، پیمان‌هایی داشتند، از سویی شخصیت ابوطالب و خودشان به شکلی بود که کسی نمی‌توانست به او تعرض بکند.

در آن زمان، به مسلمان‌ها خیلی فشار وارد می‌شد، افرادی که از هر قبیله مسلمان شده بودند، دچار شکنجه می‌شدند. نمونه‌ی بارز این‌ها، داستان سمیه و یاسر است. اولین شهیدان اسلام این دو بودند. اولین شهید اسلام یک زن بود به نام سمیّه؛ زن قهرمانی که در برابر آن موج طوفانی بت‌پرستی سینه سپر کرد و زیر شکنجه حتی به‌ظاهر همراه مشرکین نشد. بلال، عمّار یاسر و ... نیز نمونه‌های دیگری بودند.

عمّار به‌ظاهر در شکنجه‌ها اعلام کرد من ایمان ندارم. بعد از آن به‌سرعت پیش رسول خدا (ص) آمد و گفت: من زیر شکنجه‌ی شدید طاقت نیاوردم و به‌ظاهر از شما دست کشیدم ولی دلم از ایمان به شما مملو است. پیامبر (ص) به ایشان فرمودند: هیچ عیبی ندارد. و بعدازآن آیه تقیه نازل شد که در شرایط سخت و دشوار اشکالی ندارد که کلمه کفر بیان کند.

# مسائل اختلاف بین شیعه و سنی

1. یکی از این اختلافات، قضیه ابوطالب (ع) است که در بالا به‌صورت کامل آمد.

2. تقیه. اهل تسنن شیعه را متهم به تقیه می‌کنند. درصورتی‌که ما معتقد به تقیه هستیم. امام صادق (ع) می‌فرماید:‌ **اِنَّ التَقِیة دِینِی وَ دِینِ آبَائی**[[3]](#footnote-3) در این مورد کتاب‌ها، تهمت‌ها به شیعه زده‌شده است.

اصل تقیه در قرآن نیز آمده است. در آیه شریفه «**مَنْ أُکرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالإِیمَانِ**[[4]](#footnote-4)» بر این امر تأکید دارد. در این آیه می‌فرماید کسی که مجبور شد زیر شکنجه‌های طاقت‌فرسا به زبان دست از اسلام برداشت ولی قلب او آرام به ایمان به خداوند و رسول خدا (ص) است، اشکالی ندارد.

# شیعه و تقیه

شیعه به خاطر ظلم و ستم، فشار و محدودیت‌هایی که برای آن قائل می‌شدند، همیشه در اقلیت بود. و به دلیل جبر و ستم خلفای بنی‌امیه، بنی مروان، بنی‌عباس علیه شیعه داشتند، همواره مجبور بودند که در هاله‌ای از تقیه زندگی کنند. شیعه مجبور بود با نوعی تقیه از معارف خود حفظ و حراست کند. البته باید بدانیم که تقیه انواعی دارد.

# دلایل شکنجه نکردن پیامبر (ص)

در زمان رسول گرامی اسلام (ص) بسیاری از مسلمانان زیر شکنجه، معلول شدند. در ابتدا کفار، پیغمبر اکرم (ص) را مسخره می‌کردند، تهمت می‌زدند اما ایشان را شکنجه نمی‌کردند زیراکسی جرأت این کار را نداشت. این به چند دلیل بود:

1. چهره‌ی ممتاز و شخصیت برجسته‌ی پیامبر (ص) در میان قبایل

2. قبیله‌ی خود پیامبر

3. پشتیبانی حضرت ابوطالب (ع)

4. پیمان‌های بین قبیله‌ای

بعد از فوت حضرت ابوطالب (ع) فشارها بر پیامبر (ص) بیشتر شد.

سران شرک می‌ترسیدند که اگر به حریم خود پیامبر (ص) آسیب بزنند، پیمان‌های قبیله‌ای اوضاع را به هم بریزد. در بعضی از تواریخ، تحلیل‌گران گفته‌اند: حضرت ابوطالب (ع) دوست داشتند که جنگی میان این دو دربگیرد تا سران کفر از بین بروند.

سران مکه، به ابوطالب فشار زیادی می‌آوردند، می‌گفتند: برادرزاده‌ی تو، به همه‌ی بت‌های ما توهین می‌کند. به همه‌ی ملاک‌های جاهلی ما تهمت می‌زند. او را تسلیم ما بکن!. گاهی ابوطالب را تهدید می‌کردند.

ابوطالب (ع) در تمام این تهدیدها، پیشنهاد‌ها مقاومت می‌کرد.

# رشد اسلام

با تمام این تهدیدها، اسلام، آرام‌آرام در دل مردم نشست. آیات قرآن تمام انسان‌ها را به خود جذب می‌کرد. کسانی که اهل منطق بودند، کمی در آیات تفکر می‌کردند، می‌دیدند که آیات با فطرت انسان کاملاً مطابقت دارد، نقطه‌ِی تاریکی ندارد.

ویژگی‌های ممتاز قرآن، شخصیت پیامبر (ص)، مقاومت کم‌نظیر و پولادین مؤمنان به اسلام و رسول خدا (ص)، سد محکم شرک و بت‌پرستی را در هم کوبید.

**بسم الله الرحمن الرحیم، وَالعَصر إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِی خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ[[5]](#footnote-5)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله سمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم. نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابی لقاسم محمد (ص) وعلی آله الاطیبین الاطهرین لا سیما سیدنا و مولانا و امامنا امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) صل علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمدبن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج) حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین**

1. آل عمران، 102 [↑](#footnote-ref-1)
2. حجر، 94 [↑](#footnote-ref-2)
3. بحار الانوار، ج 72، ص 422 [↑](#footnote-ref-3)
4. نحل، 106 [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره عصر [↑](#footnote-ref-5)